

ایران در بحران

مرور کتاب نظام اجتماعی و فروپاشی دولت قاجار، رضا رییس طوسی در این کتاب با استفاده از اسناد دسته اول، علل زوال ایران در آستانه تجدد را نشان می‌دهد

مرتضی ویسی

ادبیات فروپاشی یکی از حوزه‌های پرطرفدار در تاریخ‌نگاری است. این حوزه را که حتی می‌توان از آن به عنوان یک ژانر یاد کرد در میان مورخان و تاریخ‌نگاران به دلایل متعدد حوزه‌ای بسیار مورد توجه است. علت این امر شاید اهمیت لحظات فروپاشی و روند شکل‌گیری آن باشد، چراکه لحظات فروپاشی یک نظام سیاسی اجتماعی از پرحادثه‌ترین لحظات تاریخ هستند که حامل داده‌ها، حوادث و روایت‌های تاریخی بسیار با اهمیتی است.

در ایران و تاریخ آن فروپاشی از ژانرهای آشنا برای مورخان و علاقه‌مندان به حوزه تاریخ است. تاریخ ایران به واسطه قدمت و داستان تکراری فروپاشی سلسله‌های مختلف در آن، کاملاً با مساله فروپاشی آشناست به همین جهت اکثر مورخان زمانی که یک دوره تاریخی را انتخاب می‌کنند همواره یکی از مهم‌ترین سوال‌های آنها چگونگی فروپاشی سلسله‌های تاریخی در آن دوران است.

فروپاشی در ذهن ایرانیان

همان‌طور که گفته شد فروپاشی مفهومی آشنا در ذهن (خودآگاه و ناخودآگاه) ایرانیان است. اما واقعیت امر این است که در بین سلسله‌هایی که دچار فروپاشی شده‌اند مساله فروپاشی سلسله قاجار از اهمیت بیشتری برخوردار است. سلسله قاجار به واسطه تقارن تاریخی با شکل‌گیری نظام جهانی و ادغام در آن، اولین برخوردها با قدرتهای

استعماري، بيش از هر دوران تاريخي ديگر ناکارآمدی سیستم حکمراني در ايران را به رخ کشاند، به همین جهت سلسله قاجار و پادشاهان آن همواره نزد ایرانیان نماد استبداد، بي‌کفایتي، سست‌عنصري، خودمحوري، بي‌توجه به سرنوشت مردم، خوشگذران و لاپالايي، بي‌خردی و... است که از خود میراث خوبی برای انسان امروز ایراني به جا گذاشته‌اند. این کلیشه به قدری در ذهن ایراني قوي است که اجازه دیدن کوچک‌ترین دستاورد مربوط به دوران قاجار را به او نمی‌دهد. به همین دلیل فروپاشی در ذهن ایرانیان با حکمراني شاهان قاجار عجین شده و هر زمان نام این سلسله به میان می‌آید بلافاصله مجموعه ناکارآمدی‌ها و فروپاشی نظام کهن در ذهن مخاطب ایراني شکل می‌گیرد. این امر باعث شده تحقیقات و نوشته‌های زیادی درباره فروپاشی در عصر قاجار نوشته شود. یکی از جدیدترین آثاری که در این حوزه نگاشته و اخیراً روانه بازار نشر شده اثر رضا رییس طوسی با عنوان «زوال نظام اجتماعی و فروپاشی دولت قاجار» است. این اثر که از سوی انتشارات نی‌اخیرا چاپ و منتشر شده است گامی دیگر درباره تحقیق در عصر قاجار و فروپاشی در آن دوران است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب که علاقه‌مندان به این حوزه باید مورد توجه قرار دهند تکیه بالایی نویسنده بر اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا است که بسیاری از آن آثار تاکنون یا دیده نشده‌اند یا اساساً مورد توجه قرار نگرفته‌اند. کتاب که از هفت فصل تشکیل شده است هر فصل به تفکیک به یکی از مسائل مهم در عصر قاجار می‌پردازد که هر کدام در شکل‌گیری روند فروپاشی در عصر قاجار بسیار با اهمیت بودند. در هر فصل نویسنده سعی کرده به عواملی بپردازد که یا کمتر به آن توجه شده یا اساساً مورد توجه مخاطبان قرار نگرفته است.

تخریب سیستم کشاورزی

فصل اول کتاب با عنوان کشاورزی یکی از مهم‌ترین مباحث در فروپاشی نظام سیاسی-اجتماعی عصر قاجار را به تصویر می‌کشد. نویسنده برای اینکه نابودی سیستم کشاورزی در عصر قاجار را نشان دهد در آغاز شمایی از بود و باش، جمعیت، به‌طور کل وضعیت اجتماعی رعیت و کشاورزان آن دوران را به تصویر می‌کشد که در نوع خود اطلاعات جالب و خواندنی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. یکی از مصداق‌ترین نشانه‌های تخریب و نابودی سیستم کشاورزی در ایران زمان قاجار، نابودی زمین‌های سیستان است. سیستان به عنوان یکی از حاصلخیزترین اقالیم ایران زمانی انبار غلات در ایران بود اما نویسنده کتاب نشان می‌دهد همین سرزمین حاصلخیز به واسطه بی‌کفایتي شاهان قاجار و دخالت قدرتهای خارجی چگونه به اضمحلال و نابودی کامل کشیده می‌شود.

داستان سیستان در این فصل از ماجراهای خواندنی در تاریخ است.

کاهش ارزش پول ملی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته و کمتر در دیگر تحقیقات تاریخی بدان اشاره شده است بحث کاهش ارزش پول ملی و نقش آن در نابودی حکومت‌های ایرانی است. این امر نه صرفاً درباره حکومت قاجار بلکه اکثر سلسله‌های تاریخ از جمله سلسله صفویان نقش مهمی داشت. در آن زمان که واحد پول ایران بر مبنای نقره قرار داشت عوامل بسیاری از جمله مینا قرار گرفتن طلا در معاملات جهانی، عدم نظارت دولت بر ضربخانه‌ها، گسترش پول تقلبی در بازار، خروج بیرویه پول از ایران و... به بی‌اعتبار شدن و بی‌ارزش شدن پول در ایران کمک کرد. در واقع این به معنای آن بود که رعیت و تاجر در این کشور هر روز فقیرتر شوند و دولت‌ها برای گرفتن مالیات فشار بیشتری بر مردم بیاورد. مساله کاهش ارزش پول ملی و فروپاشی دولت‌ها از مسائل بسیار مهم در تاریخ بوده که باید بیشتر به آن توجه کرد.

وضعیت اقتصادی و سیاسی- اجتماعی جامعه شهری

فصل 2 کتاب به وضعیت زندگی شهرنشینان دوران قاجار پرداخته است. آن‌گونه که در کتاب روایت شده است جمعیت شهری ایران در زمان قاجار تقریباً دومیلیون نفر بوده که در 100 شهر زندگی می‌کردند. بزرگ‌ترین این شهرها عبارت بودند از: تهران و تبریز که هر یک جمعیتی حدود 200 هزار نفر داشته‌اند. جمعیت شهری در دوران قاجار را می‌توان به سه قشر مشخص تقسیم کرد؛ علما یا روحانیون، تجار و کارگران شهری. نفوذ علما به واسطه توانایی خواندن و نوشتن و سواد، بیشتر از اقشار دیگر در زندگی شهری ایران بوده است. علما و روحانیون به واسطه همین ابزاری که در اختیار داشتند مدیریت مدارس و آموزش مردم را برعهده داشتند و در مدارس مسائلی مانند فقه و علوم دینی را تدریس می‌کردند. از نفوذ روحانیون به تدریج با ورود دستاوردهای زندگی مدرن به خصوص مدارس جدید در ایران کاسته شد. در نتیجه نفوذ افکار آزادی‌خواهانه از دیگر کشورهای جهان، در مناطق شهری مدرسه‌هایی به سبک جدید (دبستان) پا به عرصه وجود گذاشت که تأثیرات بسیار بالایی بر زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان داشت. حیات سیاسی و اقتصادی تجار و پیشه‌وران در زندگی شهری تحت‌تأثیر ادغام در نظام جهانی و تعطیلی بسیاری از کارگاه‌های کوچک سنتی رو به انحطاط و فروپاشی پیش رفت و رکود و ورشکستگی بازرگانان را به همراه داشت. نوسانات ارز و فلزهای گرانبها به خصوص نقره در این

زمان آفت حیات شهری و فعالان اقتصادی در آن شده بود. در این دوران شاهد شورش‌های شهری به خصوص شورش بر سر نان و مسائل زندگی بیش از هر زمان دیگری جامعه ایران را به سمت فروپاشی و انحطاط پیش می‌برد.

ایلات در ایران

فصل سوم به موضوع ایلات در ایران دوران قاجار می‌پردازد. ایلات بخش مهمی از بافت جمعیتی ایران زمان قاجار را تشکیل می‌داد. بخش وسیعی از ایران دوران قاجار به ویژه فارس، بختیاری، خوزستان، کردستان، لرستان، گرگان، مرزهای خراسان و قسمتی از آذربایجان و بلوچستان مناطق ایلاتی بودند. در این مناطق دومین قسمت عمده جمعیت کشور حدود 2 میلیون و 470 هزار نفر زندگی می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ایلات و عشایر در ایران تامین امنیت در مناطق مرزی ایران در مقابل هجوم بیگانگان بوده است. اما در دوران قاجار مقارن با آغاز عصر مشروطه ایلات و عشایر بازیچه دست قدرتهای بزرگ به خصوص انگلیس می‌شدند. قدرتها سعی می‌کردند با نفوذ در میان این جمعیت از کشور زمین‌های ناامنی را برای پیشبرد اهداف خود بازی کنند، به همین جهت این قشر از جامعه ایران بسیار مورد توجه سفیران و جاسوس‌های خارجی بوده‌اند. همان‌گونه که رضا رییس طوسی در کتاب به تفصیل به این موضوع پرداخته است. آن‌گونه که نویسنده در ابتدای فصل اشاره می‌کند هدف درازمدت بریتانیا این بود که ایلات جنوب غربی استقلالشان را در قلمرو نفوذ بریتانیا حفظ کنند. به بیان دیگر انگلیسی‌ها می‌خواستند یگانه و تنها امید ایلات باشند تا در صورت لزوم از انسجام سیاسی و قدرت نظامی آنها برای پیشبرد منافع سیاسی خود استفاده کنند. برای این کار از هیچ کاری از جمله قاچاق اسلحه در بین ایلات فروگذاری نمی‌کردند. این فصل که به نسبت دیگر فصل‌های کتاب حجم بیشتری را به خود اختصاص داده است روایتگر حضور گسترده ایلات در ایران است. به همین جهت نویسنده عمده ایلات ایران را انتخاب کرده و به هرکدام به‌طور مجزا پرداخته و نقش هرکدام را در تحولات تاریخی آن زمان بررسی کرده است.

سلطنت و دولت دوران ناصرالدین‌شاه

فصل چهارم کتاب به سلطنت دوران ناصرالدین‌شاه پرداخته است. ناصرالدین‌شاه مجموعاً 49 سال بر ایران دوران قاجار سلطنت کرد. زیرساخت‌های دولت در دوران قاجار تا انقلاب مشروطیت تقریباً هیچ تغییری نکرد. گزارش‌های جهانگردان اروپایی به ایران، سیاستمداران ایرانی و یافته‌های مطالعات اخیر همه به تداوم ویژگی‌های مشخصی

اشاره دارند که عبارتند از: استبداد مطلقه شاه، خرید و فروش مقامات اداری و فساد گسترده. ناصرالدین‌شاه در دوران صدارت خود باعث قتل امیرکبیر نخست‌وزیر خود شد که یکی از مهم‌ترین اتفاقات در پیشرفت جامعه ایران بوده است. سلطنت در دوران ناصرالدین‌شاه یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ ایران است که در آن مقدمات بسیاری از فروپاشی‌ها در عرصه‌های مختلف شکل گرفت. در کتاب به خوبی توانسته روند این فروپاشی را در دوران ناصرالدین‌شاه را نشان دهد. شاه که فقط به فکر عیش و نوش خود بود اقدام به واگذاری مناصب سیاسی و اداری می‌کرد تا از این طریق برای خود درآمدی ایجاد کند. در طول این دوره کشور به چندین ایالت تقسیم شده بود و هر یک توسط حاکمی اداره می‌شد که منصب خود را برای یک سال اجاره می‌کرد که صرفاً و تنها در مقابل شاه پاسخگو بود. حکام این مناطق که از مصونیت قضایی برخوردار بودند برای تامین درآمد لازم و همچنین تامین سود خود، تمام زور خود را بر رعیت‌های بی‌گناه اعمال می‌کرد همین امر باعث می‌شد که تمام هست و نیست رعیت را به غارت ببرد و حتی قوت لایموت رعیت هم باقی نماند. همچنین این موضوع اجاره مناصب باعث می‌شد تا دربار عرصه رقابت شاهزادگان و نیروهای با نفوذ شود که عملاً اداره کشور به دست خدا سپرده می‌شد.

ارتش ایران

فصل پنجم کتاب زوال نظام اجتماعی و فروپاشی دولت قاجار به ارتش و نیروهای نظامی در دوران قاجار پرداخته است. ارتش جدید ایران که عباس میرزای ولیعهد و میرزا بزرگ قائم‌مقام آن را بنیانگذاری کرده بودند در دوران صدارت میرزا آقاسی به تباهی کشیده شد. به گفته کتاب ارتش در این دوران به قدری دچار ذلت و خواری شده بود که نه پوشاکی داشت برای پوشیدن نه خوراکی برای خوردن. فساد و تباهی تمام ارکان ارتش را گرفته بود برای مثال امیرتومان‌ها (ژنرال‌ها) حقوق فوج‌هایی را می‌گرفتند که اصلاً وجود خارجی نداشتند. ارتش قدری فرسوده و غیرکارآمد بود که اصلاً در مقابل هیچ تهاجمی نمی‌شد روی آن حساب کرد، به همین ترتیب یکی از نشان‌های اصلی زوال اجتماعی و سیاسی در دوران قاجار فروپاشی نیروی نظامی در این عصر بود.

رقابت امپریالیستی روس و انگلیس در ایران

فصل ششم کتاب به رقابت دو قدرت بزرگ استعماری در آن زمان می‌پردازد. روسیه به دنبال گسترش امپراتوری خود و دستیابی به آب‌های گرم و انگلیس برای حفظ منافع استعماری خود در هندوستان از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کردند. ایران به‌طور کامل عرصه تاخت‌وتاز این

قدرت‌ها بود. بدون اینکه حتی ذره‌ای به منافع مردم ایران توجه کند. امپراتوری روسیه با تحمیل قراردادهای مکرر و فشارهای نظامی در مناطق شمالی شاکله کلی ایران را تهدید می‌کرد و انگلیس نیز با نفوذ در میان سران حکومتی ایران از هیچ تفرقه و نفاقی کوتاهی نمی‌کرد. کتاب به خوبی منابع جدید این روایت را بازخوانی کرده است.

دهه‌های ناآرامی و خیزش انقلابی

طی آخرین دهه‌های قرن سیزدهم (آخرین دهه‌های قرن نوزدهم و اولین دهه قرن بیستم) کمتر سالی بدون شورش و طغیان طبقات مختلف جامعه ایران سپری شد. این خشم و عصیان ریشه در مشکلات عمیق مربوط به ساختار عمیق اقتصادی اجتماعی، فساد و سرشت سرکوبگرانه حاکمیت و نفوذ سیاسی و اقتصادی روس به افزایش دو قدرت روس و انگلیس در کشور داشت. کشور درگیر فساد ریشه و زمینی شده بود که توانایی انجام کوچک‌ترین کارهای اجرایی را از او سلب کرده و قاعدتا نظام درگیر ناکارآمدی عمیق و ریشه‌دار بود. این مسائل گفته‌شده همگی مقدمه یک جنبش و انقلاب بزرگ به نام انقلاب مشروطه بود که می‌توان گفت که بزرگ‌ترین تحول قرن برای ایرانیان بود. فصل هفتم کتاب درباره چگونگی شکل‌گیری این حرکت عظیم در تاریخ ایران است که با تکیه بر اسناد جدید این دوران را بازخوانی و روایت کرده است.

ناصرالدین‌شاه مجموعاً 49 سال بر ایران دوران قاجار سلطنت کرد. زیرساخت‌های دولت در دوران قاجار تا انقلاب مشروطیت تقریباً هیچ تغییری نکرد. گزارش‌های جهانگردان اروپایی به ایران، سیاستمداران ایرانی و یافته‌های مطالعات اخیر همه به تداوم ویژگی‌های مشخصی اشاره دارند.

ارتش جدید ایران که عباس میرزای ولیعهد و میرزا بزرگ قائم‌مقام آن را بنیانگذاری کرده بودند در دوران صدارت میرزا آقاسی به تباهی کشیده شد. به گفته کتاب ارتش در این دوران به قدری دچار ذلت و خواری شده بود که نه پوشاکی داشت برای پوشیدن نه خوراکی برای خوردن. فساد و تباهی تمام ارکان ارتش را گرفته بود.